۶۶۶۱ چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲ ■ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه



گفت‌وگو با تهیه‌کننده و کارگردان سریال «بدل»

خانواده عطاران در راه تلویزیون

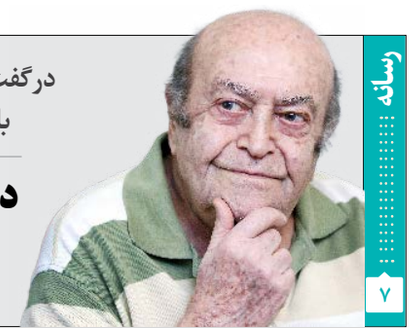
صفحه ۶

رسانه

در گفت‌وگوی «جام جم» با محمد ابهری بازیگر پیشکسوت مطرح شد

در سربداران برای پول کار نمی‌کردیم

۷



فرهنگ و هنر

گزارش «جام جم» از تصویری که فروش نمایشگاه مجازی کتاب در برابر ما گذاشته است

کوهی از کتاب ۵ برابر قله دماوند



۱۱

فرهنگ و هنر

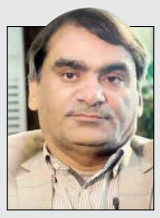
اردوان کامکار، آهنگساز و نوازنده برجسته سنتور در گفت‌وگو با «جام جم»:

اساتید موسیقی ایران شاگردپرور نیستند



۸

یادداشت



محمد دیندار | پژوهشگر

اصغر بختیاری مخلص و متخصص

از اقدامات خوب هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، سینما حقیقت می‌توان به بزرگداشت حاج اصغر بختیاری یاد کرد. در حقیقت بزرگداشت این مستندساز مخلص و متخصص دوران دفاع‌مقدس به نوعی اعتباری نیز برای جشنواره است، زیرا جشنواره‌ای که در پی حقیقت‌نمایی است، آنگاه صیقل یافته‌تر شده و می‌تواند انوار حقیقت را در خود متجلی ومنعکس کند که مستندسازان حقیقت‌جو را پاس داشته و گرامی دارد و در این میان اصغر بختیاری، یکی از ان مستندسازان پیشکسوت است که در طول عمر حرفه‌ای خود همواره در پی یافتن حقیقت و ثبت و ضبط و نمایش آن برای مخاطبان بوده است.

اصغر بختیاری چه از زمان دفاع‌مقدس که پا به پای سیدمرتضی آوینی و گروه روایت فتح و در زیر آتش توپ و خمپاره و در تیررس شلیک نظامیان بعثی با از خودگذشتگی و شجاعانه در تلاش برای به تصویر کشیدن حقیقت جبهه‌های دفاع‌مقدس و حقیقت اخلاص و شجاعت و مظلومیت رزمندگان و در عین حال شقاوت دشمنان بود و چه در سال‌های پس از جنگ که با ساخت مستندی مانند «دردهای پنهان»، بی‌تاب نشان دادن صلابت و در عین حال رنج جانبازان مظلوم سالیان دفاع‌مقدس و لزوم رسیدگی به پیشکسوتان شهادت و خون بود و باز آن هنگام که با احساس خطر در حوزه آسیب‌های اجتماعی برای ساخت مستند سخت «گروه یک» کمر همت بست تا حقیقت تلخ زیر پوست شهر را به نماش گذارد و آسیب‌هایی را که در کمین کیان خانواده‌ها و نوجوانان نشسته، هشدارگونه، مصلحانه و دلسوزانه به گوش مردم و مسئولان رسانده و آنان را برای چاره اندیشی فرا بخواند همیشه در پی حقیقت بوده است؛ حقیقتی که هم در ذات سینمای مستند وجود دارد و هم با ذات این مستندساز حقیقت‌گو و حقیقت‌جوگره خورده است و این حقیقت چه آن روزها که در «شهری در آسمان» با سید مرتضی آوینی قدم برمی‌داشت و چه امروز که بی او اما همچنان وفادار به اندیشه‌هایش، دغدغه‌مند در پی یافتن «پلاک ۵۶۶» و نیز «نشانی» مادرانی در «انتظار» (سه فیلم از مستندهای حاج اصغر) که در نگاه او و لنز دوربینش متجلی است.

مستندسازی که هرگاه در مصدر مسئولیتی نیز قرار گرفت، چه در موسسه شهید آوینی و چه در گروه مستند روایت فتح، توانست بارقه‌هایی از روش مدیریتی سید مرتضی و اخلاص و تخصص او را به نمایش گذاشته و باعث کارنامه‌ای آبرومند برای آن مجموعه‌ها و مسبب تولید آثاری ماندگار در حوزه دفاع‌مقدس شود.

هوشیار باشیم که بزرگداشت افرادی مانند اصغر بختیاری و پاسداشت حقیقی سینمای مستند و جریان مستند سازی، نباید صرفا به یک مراسم تشریفاتی محدود شود، بلکه حقیقت امر زمانی واقع خواهد شد که در روند مدیریتی، مشورتی و راهبردی از او و افرادی چون او که هم مخلص و هم متخصص هستند و هم این‌که در حساس‌ترین برهه این سرزمین در «دامنه آتشفشان» زیسته و کوشیده و امتحان پس داده‌اند بهره لازم را گرفت.

زاویه دید

سعید مستغاثی | مستندساز و کارشناس سینما و هنر

قسمت ۲۱

روایت تاریخ و کارنامه روحانیت

قرارداد ۱۹۱۹





به دنبال شروع تحولات سیاسی در روسیه موسوم به انقلاب اکتبر، آن کشور وادار شد موقت هم که شده در چهره استعماری خود تجدید نظر کند. از همین روی، معدودی از قراردادهای استعماری خود با ایران را لغو کرد و برای حل مشکلات داخلی اش (از جمله مقابله با گروه‌های متعددی که علیه انقلاب بلشویکی قیام کرده بودند)، کلیه نیروهای نظامی خود را فراخواند. انگلیس و امپراتوری بریتانیا هم که میدان را از حریف قدیمی و سرسخت خویش خالی می‌دید، بر نفوذ نظامی خود افزود و سراسر ایران را به زیر سلطه چکمه‌پوشان خود درآورد و به این ترتیب، ایران عملا تحت اشغال نظامی انگلستان درآمد و به دنبال آن با تحمیل قرارداد استعماری ۱۹۱۹ به دولت ایران، به این حاکمیت خود رسمیت بخشید.

پس از امضای این قرارداد بین وثوق‌الدوله و سرپرسی کاکس وزیرمختار انگلیس که خبر آن محرمانه نگهداشته شده‌بود، انگلستان منتظر تصویب قرارداد از طرف مجلس ایران نشده، یک هیأت نظامی به ریاست ژنرال دیکسون و یک هیأت مالی به سرپرستی آرمیتاژ اسمیت برای تشکیل سازمان جدید ارتش و اداره امور مالیه اعزام کردند و مبلغ دو میلیون لیره به عنوان قرض با ربح صدی هفت برای اجرای برنامه‌های خود در اختیار دولت ایران گذاشتند. امضای قرارداد استعماری ۱۹۱۹ رسمیت بخشیدن به خود فروختگی و وابستگی‌های عمال بریتانیا به شمار رفته و استقلال و حاکمیت ایران را بر پرتگاه نیستی قرار داده، کشور ما را در جرگه مستعمرات انگلستان قرار می‌داد. این قرارداد آنچنان خفت‌بار و تحقیرآمیز بود که کنگره به اصطلاح صلح پاریس، به محض این‌که از انعقاد قرارداد فوق مطلع گشت، نمایندگان ایران را به کنگره مذکور نپذیرفت و دولت ایران را به عنوان حکومتی مستقل به رسمیت نشناخت.

روحانیت علیه قرارداد ننگین ۱۹۱۹

در آستانه محرم سال ۱۳۳۸هجری قمری که ایران در تب و تاب قرارداد ۱۹۱۹ بود، علما خواستند مساجد را سیاهپوش کنند و عموم مردم را به قیام علیه قرارداد ترغیب و دعوت کنند. عده‌ای از وعاظ هم در مجالس روضه‌خوانی و عزاداری در مسجد شیخ عبدالحسین بازار علیه قرارداد سخنرانی کردند و بالاخره هم این کارها و اقدامات علما و مردم باعث شکست قرارداد ۱۹۱۹ شد.

پس از این کار حکومت که زیر نظر انگلیس بود، با ورود ارتش هند برای برقراری نظم در ایران موافقت کرد. ارتش هند هم برای ایجاد نظم چند پیشنهاد داده‌بود. یکی از آنها این بود بساط عزاداری که خود بزرگ‌ترین وسیله برای خنثی کردن سیاست استعماری انگلیس بود، برهم بخورد و جمع شود.

از طرف دیگر نهضت اسلامی جنگل به رهبری روحانی مجاهد، میرزا کوچک‌خان جنگلی که علیه سلطه استعمار در گیلان قیام کرده بود، با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، بر مبارزه خود و یارانش با دولت کودتایی رضاخان، مصمم‌تر شد و رژیم وابسته با انگلیس را بیش از پیش، مورد تهاجم خود قرارداد. میرزاکوچک‌خان، طلبه مبارزی بود که با اندیشه‌های اسلامی و در ارتباط با هیأت اتحاد اسلام که روحانیونی همچون شهید مدرس، رهبری آن را برعهده داشت، قیام خود را آغاز و گسترش داده‌بود.

اعتراف استعمارگران انگلیسی به نقش موثر سیدحسن مدرس در جریان مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹، نشانگر وحشت امپراتوری بریتانیا از روحانی آزاده‌ای بود که از اتاق محقر خانه‌اش، پایه‌های آن امپراتوری را در شرق به لرزه درآورده بود. سند گویایی که از گزارش محرمانه سرپرسی کاکس، نماینده امپراتوری بریتانیا و طرف انگلیسی قرارداد ۱۹۱۹ به لندن بر می‌آید، نشان‌دهنده آن است که در تحلیل ماموربن اطلاعاتی و امنیتی انگلیس، آیت‌ا... سیدحسن مدرس، در صدر مخالفان قرارداد و از رهبران نهضت اسلامی به شمار آمده است.

همچنین قیام روحانی مبارز دیگری از خطه آذربایجان به نام شیخ‌محمد خیابانی علیه قرارداد ننگین ۱۹۱۹ که اکثریت مردم تبریز به حمایت از وی برخاستند، حکایت از گستردگی جنبش اسلامی علما، طلاب و روحانیون مبارز در مقابل اقدامات استعماری رژیم دست‌نشانده انگلیس در ایران داشت.

سرانجام با مخالفت‌ها و مبارزات مردم مسلمان ایران به رهبری و زعامت علما و روحانیت مبارز، از آنجا که بیم آن می‌رفت با ادامه این مبارزات، انقلاب اسلامی در کشور پا بگیرد و موجودیت حضور بریتانیا و نیروهایش در این سرزمین را به سختی تهدید کند، آنان که محور تعیین سیاست انگلیس بودند، ترجیح دادند ماجرای قرارداد ۱۹۱۹ را مسکوت بگذارند. از همین روی، وثوق‌الدوله را از صدارت برکنار کرده و قرارداد را مسکوت گذاشتند.

قرارداد ۱۹۱۹ در شرایطی توسط لردکرزن و سرپرسی کاکس از سوی دولت مستقر در لندن طراحی شد که از دو سال قبل از آن، گردانندگان اصلی سیاست بریتانیا در شرق که در حکومت موسوم به هند بریتانیا مستقر بوده و عمدتا در ارتباط با شبکه‌های جهانی مانند امپراتوری روچیلدها عمل می‌کردند، توسط یکی از عوامل موثر خود به نام «سر اردشیر جی ریپورتر»، روی یک افسر بریگارد قزاق به نام رضا میرپنج سوادکوهی کار می‌کردند و او را برای ماموریتی خطیر آماده می‌ساختند. براساس وصیتنامه یا خاطرات اردشیر ریپورتر، وی از سال ۱۹۱۷ که با رضا میرپنج آشنا شده بود، طی جلسات مکرر و منظمی، وی را تحت آموزش‌های فشرده و دقیق خود قرار داده‌بود تا سال ۱۹۲۱ او را در اختیار ژنرال آیرونساید (فرمانده نیروهای انگلیس در خاورمیانه) گذارده و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را رقم بزند.

کودتایی که اساسا حکومت لندن و لرد کرزن از آن بی خبر بوده و از همین روی بر قرارداد ۱۹۱۹ پافشاری می‌کردند. در حالی که از طریق رضا میرپنج که بعدا به رضاخان معروف شد و حکومت پهلوی که (به عنوان نخستین دولت دست‌نشانده در تاریخ ایران) از طریق وی برپا شد و گروه فراماسون‌هایی که پیرامون او گرد آمده‌بودند (همچون محمدعلی فروغی و علی اصغر حکمت و احمد متین‌دفتری و ...) برنامه‌ای دراز مدت طراحی شده بود که سرزمین ایران و منافع و منابع آن را (بسیار عمیق‌تر و طولانی مدت‌تر از قرارداد ۱۹۱۹) به طور کامل در اختیار سلطه‌گران قرار دهد. برنامه‌ای که در ظاهر توسط یک افسر ایرانی انجام می‌شد و ظاهر استعمارگرانه قرارداد ۱۹۱۹ را نداشت ولی در اصل و از پشت پرده توسط عوامل کانون‌های پنهان صهیونی همچون امپراتوری روچیلدها هدایت می‌شد.

برش

کودتای ۱۲۹۹

کودتای ۱۲۹۹، طرح مورد قبول و تأیید لرد کرزن، وزیر خارجه و رئیس دستگاه رسمی دیپلماسی بریتانیا نبود. او طراح قرارداد ۱۹۱۹ بود و تا آخرین لحظه بر تحقق این طرح پافشاری کرد، لیکن تمامی اقدامات او با دسیسه کانون پیش‌گفته مواجه شد که طرح استقرار سلطنت پهلوی را به طور غیررسمی و پنهان از کرزن پیش می‌برد.

اردشیر جی ریپورتر در همان خاطراتش می‌نویسد:

«وزارت خارجه انگلیس معتقد بود که کابینه مشیرالدوله سر و صورتی به اوضاع داده است ولی آنچه را من به نایب‌السلطنه هند گزارش دادم، این بود که خانه ایران از پای بند ویران است و قرارداد ۱۹۱۹ هم فاقد ارزش است و هر چه زودتر باید به عنوان پیروزی برای ایران باطل و لغو شود.»

طرفه آن‌که پیش از اعلام الغای قرارداد ۱۹۱۹ به وسیله سید ضیاءالدین طباطبایی، نورمن (وزیر مختار انگلیس در ایران) به کرزن وزیر خارجه انگلیس، اطمینان داد که الغای قرارداد واجد معنا نخواهد بود؛ زیرا سیدضیاء محتوای قرارداد را از طریق افسران و مستشاران مالی انگلستان به اجرا خواهدگذاشت و قزاقخانه را با افسران انگلیسی تجدید سازمان خواهدکرد!

نورمن همچنین در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ برابر هفتم اسفند ۱۲۹۹ به کرزن، گزارش داد که سیدضیاء قصد دارد اداره امور دو دستگاه اصلی (مالیه و قشون) را به دست انگلیسی‌ها بسپارد. نورمن معتقد بود، این سیاست نیز در نهایت می‌تواند بریتانیا را به بیشتر امتیازهایی برساند که انتظار داشت از قرارداد غیر عملی ۱۹۱۹ به‌دست‌آورد.